

# دینداری سستی و نگرش نسبت به دموکراسی در بین دانشجویان دانشگاه شیراز

مجید موحد  
محمد دلبری

## چکیده

این پژوهش به منظور بررسی رابطه دینداری و برخی عوامل دیگر با نگرش نسبت به دموکراسی و با روش پیمایش انجام شده است. نمونه پژوهش را تعداد ۲۸۳ نفر از دانشجویان دختر و پسر دانشگاه شیراز تشکیل می‌دهند که داده‌های آن از طریق پرسشنامه، در بهار ۱۳۸۳ گردآوری شده است. در این مطالعه برای نشان دادن رابطه دینداری و نگرش نسبت به دموکراسی از نظریه ماکس وبر استفاده شده است. سایر متغیرهای مستقل از میان نظریاتی انتخاب شده‌اند که بر عوامل سطح خرد مؤثر بر دموکراسی متمرکزند. سنجش میزان دینداری افراد بر اساس مدل چند بعدی گلاک و استارک صورت گرفته است. یافته‌های پژوهش نشانگر آن است که بین متغیرهای ابعاد مختلف دینداری و میزان کل دینداری، با نگرش نسبت به دموکراسی و ابعاد آن رابطه معنی‌داری وجود دارد، و متغیرهای مستقل این پژوهش در مجموع می‌تواند حدود ۲۶ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین نماید. در ضمن متغیرهای دینداری و ابعاد مختلف آن با نگرش نسبت به دموکراسی رابطه معکوس داشته‌اند، یعنی هر چه به میزان دینداری افراد در ابعاد مختلف افزوده می‌گردد، نگرش ایشان به دموکراسی منفی‌تر می‌شود.

**کلیدواژه‌ها:** دینداری، دموکراسی، اسلام.

## مقدمه

بحث از سنت و مدرنیته و نحوه تلفیق این دو از مباحث رایج و جدی در میان فیلسوفان و عالمان اجتماعی بوده و هست. گذار از جامعه سستی به جامعه مدرن و مسائل و تبعات ناشی از آن نیازمند تأملات نظری و عملی فراوانی است، که توجه بسیاری از متفکران معاصر به آن معطوف شده است. دموکراسی که از مفاهیم متضمن

تفکر مدرن به شمار می‌رود، در اصل واژه‌ای است یونانی، برگرفته از واژه دموکراسیا<sup>۱</sup> که از ترکیب دو کلمه «دموس» به معنی مردم و «کراتوس» به معنی قدرت و حکومت ساخته شده است، و معنی آن حکومت مردم یا مردمسالاری است (هلد، ۱۳۶۹: ۱۴). امروزه دموکراسی ارزشی جهان‌شمول محسوب می‌گردد. آمارتیا سن برنده جایزه نوبل اقتصاد در سال ۱۹۹۸ در پاسخ به سؤال یکی از روزنامه‌های معتبر ژاپنی در مورد مهم‌ترین رویداد قرن بیست و یکم می‌گوید: با وجود انبوه تحولاتی که رخ داده است، «ظهور مردمسالاری» بزرگ‌ترین رویداد قرن است (سن، ۱۳۸۳: ۱۰۰).

در ایران نیز دستیابی به آزادی یکی از خواسته‌های اصولی مردم در یک‌صد سال اخیر بوده و حرکت‌ها و جنبش‌های چندی را موجب شده است. اما چنین حرکت‌هایی همواره به علت موانع داخلی و خارجی ناکام مانده است. مهم‌ترین حرکت‌های آزادی‌خواهانه مردم ایران به این ترتیب قابل ذکرند: انقلاب مشروطه در سال ۱۲۸۸، ظهور دولت مصدق در اوایل دهه ۱۳۳۰، انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ و بالاخره انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۷۶ (بخارایی، ۱۳۸۱: ۱۱-۱۰؛ پدram، ۱۳۸۳: ۱۳). عموماً اندیشمندان، ناسازگاری اسلام با دموکراسی را یکی از دلایل اصلی ناکامی مردم ایران در دستیابی به دموکراسی می‌دانند؛ بر این اساس بیشتر بر روی این موضوع تأکید می‌شود. در این خصوص می‌توان گفت که مسأله اسلام و دموکراسی یا به عبارت دیگر، مسأله فقدان دموکراسی در کشورهای مسلمان از دو منظر قابل بررسی است. نخست بررسی منابع سنتی اسلامی نظیر قرآن و سنت و سایر منابع شریعت نظیر اجماع، قیاس و اجتهاد به منظور درک میزان انطباق تعالیم اسلامی با اصول دموکراسی، و دوم، بررسی گرایش‌های سیاسی شهروندان جوامع مسلمان، جهت شناخت میزان تأثیر ارزش‌های مذهبی بر تمایل آنان به دموکراسی.

یکی از رویکردهای رایج به این موضوع که امروزه به ویژه از طرف محققان غربی دنبال می‌شود، بررسی گرایش‌های سیاسی مردم عادی در کشورهای اسلامی است. (Tessler، ۲۰۰۲: ۳۴۰) درحقیقت بیشتر به این مسأله توجه می‌شود که آیا عقاید و باورهای دینی رایج میان مردم مانع دموکراتیزاسیون است یا خیر؟ با این که مباحث نظری درباره رابطه اسلام و دموکراسی فراوانند، اما مطالعه‌ای تجربی که تأثیر اسلام را بر نگرش‌ها و رفتارهای سیاسی افراد جامعه بررسی کرده باشد، وجود ندارد. از این رو، تلاش ما بر آن بوده است تا با سنجش میزان دینداری و نوع نگرش افراد نسبت به دموکراسی، به درک روشنی از این رابطه دست یابیم. بدون شک،

۱. democracia

نتایج چنین مطالعاتی می‌تواند مسیر منازعات و مباحث نظری پیرامون رابطه اسلام و دموکراسی را دگرگون یا دست کم تحت تأثیر قرار دهد و شکاف موجود بین مباحث انتزاعی و واقعیت را پر نماید. از آنجا که بررسی رابطه میزان دینداری و نگرش افراد نسبت به دموکراسی مسأله اصلی تحقیق را شکل می‌دهد، هدف اصلی پژوهش سنجش میزان تمایل پاسخگویان به دموکراسی و میزان دینداری پاسخگویان می‌باشد، و این که آیا رابطه‌ای میان دینداری پاسخگویان و نگرش ایشان نسبت به دموکراسی وجود دارد؟

### مروری بر تحقیقات پیشین

کاظم حسن‌زاده در مطالعه‌ای با عنوان «بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان در بین دانشجویان دانشگاه شیراز»، به تبیین پدیده جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان پرداخته است. در این مطالعه پایبندی مذهبی به عنوان یکی از متغیرهای مؤثر بر جامعه‌پذیری محسوب شده است. داده‌های این پژوهش در سال ۱۳۸۱ و به روش پیمایشی، از یک نمونه ۴۰۰ نفری از دانشجویان دانشگاه شیراز گردآوری شده است. نتایج این مطالعه نشانگر وجود رابطه‌ای مثبت و نسبتاً قوی بین پایبندی مذهبی و جامعه‌پذیری سیاسی است (حسن‌زاده، ۱۳۸۲).

موحد در بخشی از مطالعه‌ای که تحت عنوان «رستاخیز اسلامی و طبقه متوسط شهری در ایران» در سال ۲۰۰۲ میلادی در شهر شیراز انجام داده، به بررسی رابطه دینداری و تمایل به حکومت دموکراتیک پرداخته است. این مطالعه در یک نمونه ۳۸۶ نفری (زن و مرد)، در میان طبقات متوسط تحصیل کرده شهری انجام شد. نتایج حاصل از این مطالعه نشان می‌دهد که درصد قابل توجهی از پاسخگویان (حدود ۷۰٪ آنان)، تمایل بسیار زیادی به مشارکت سیاسی و حکومت دموکراتیک نشان داده‌اند و تنها حدود ۴ درصد پاسخگویان مخالف دموکراسی بوده‌اند. نتایج این تحقیق در عین حال نشانگر عدم وجود رابطه معنی‌دار آماری میان تمایل به مشارکت سیاسی و دینداری پاسخگویان بوده است (Movahed، ۲۰۰۲).

مطالعه‌ای در آفریقای شمالی (مراکش و الجزایر) در اواخر سال ۱۹۹۵ و اوایل ۱۹۹۶ با حمایت مؤسسه آمریکایی مطالعات مغرب<sup>۱</sup> و به منظور کشف گرایش سیاسی شهروندان و ارتباطش با دینداری آنان صورت گرفته است. این پیمایش در شهرهای رباط در مراکش و اران در الجزایر با نمونه‌ای دو هزار نفری انجام گرفت.

۱. american Institute for Maghrib Studies

نتایج نشان داد که به لحاظ آماری بین پرهیزکاری فردی و گرایش به دموکراسی رابطه‌ای وجود ندارد. اما حمایت از رهبری اسلامی در امور عمومی به شدت با گرایش‌های دموکراتیک مرتبط است، به طوری که افزایش حمایت از رهبری مذهبی با کاهش حمایت از هنجارها و نهادهای دموکراتیک همبسته است (Sabagh and Others, ۱۹۹۸).

پژوهشی بین سال‌های ۲۰۰۱-۱۹۹۹ در چهار کشور آفریقایی شامل نیجریه، تانزانیا، مالی و اوگاندا، توسط مرکز افکارسنجی آفریقا و با هدف سنجش دیدگاه‌های مردم آفریقا نسبت به دموکراسی صورت گرفته است. جمعیت نمونه مورد مطالعه ۱۰۱۵۹ نفر بود که تعداد تقریباً مساوی از مسلمانان و غیرمسلمانان را شامل می‌شد. یافته‌های این پژوهش نشان داد که علی‌رغم گرایش‌های سیاسی متمایز، مسلمانان و غیرمسلمانان در نگرش نسبت به دموکراسی تفاوت چندانی ندارند و فهم مشترکی از دموکراسی دارند و به یک اندازه خواهان و حامی دموکراسی هستند. مراسم و آیین‌های مذهبی، موجب افزایش تعهدات دموکراتیک می‌شود و دموکراتیزاسیون بیش از مذهب بر حمایت از دموکراسی مؤثر است؛ با این حال وجود مدارای سیاسی در میان مسلمانان قدری کمتر از غیرمسلمانان است (Afro barometer Briefing Paper, ۲۰۰۲).

مارک تسلا (۲۰۰۳) در مقاله‌ای با عنوان «آیا جهت‌گیری‌های اسلامی در جهان عرب بر تمایل به دموکراسی ایشان مؤثر است؟»، با استفاده از داده‌های پیمایش ارزش‌های جهانی، به بررسی تأثیر جهت‌گیری‌های اسلامی بر تمایل به دموکراسی در بین شهروندان چهار کشور عربی مصر، اردن، مراکش و الجزایر در فاصله سالهای ۲۰۰۲-۲۰۰۰ پرداخته است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که تمایلات و وابستگی‌های مذهبی حداکثر تأثیر محدودی بر دیدگاه‌های مربوط به دموکراسی دارند. همچنین افرادی که در مساجد بیشتر حضور می‌یابند، با آنان که حضور کمتری در مساجد دارند، نگرشی یکسان و تا اندازه‌ای مطلوب به دموکراسی دارند و وابستگی‌های اسلامی قوی بر حمایت از دموکراسی تأثیر منفی ندارد و طرفداری از اسلام سیاسی، شهروندان را به گرایش‌های نامساعد به سمت دموکراسی سوق نمی‌دهد (Tessler, ۲۰۰۳).

در مقاله‌ای تحت عنوان «مسلمانان و دموکراسی»، فارس البریزات<sup>۱</sup> به نقد تجربی دیدگاه فوکویاما مبنی بر مقاومت اسلام در برابر مدرنیته پرداخته است. نویسنده در این پژوهش بر آن است که ادعای فوکویاما فاقد اعتبار تجربی است و لذا درصدد کشف تبیینی جایگزین به منظور توجیه فقدان دموکراسی در کشورهای

۱. Fares Al-braizat

خاورمیانه است. نتایج این پژوهش که برگرفته از پیمایش ارزش‌های جهانی (۲۰۰۲-۲۰۰۰) و پیمایش ارزش‌های اروپایی است، نشان می‌دهد که اسلام به عنوان متغیر مؤثر بر عدم ظهور دموکراسی در کشورهای خاورمیانه، قابلیت تبیین چندانی ندارد و از این رو ادعای فوکویاما را باطل می‌خواند. به نظر نویسنده نظام‌های سیاسی استبدادی، پدرسالار و موروثی حاکم بر منطقه خاورمیانه، پدیده‌هایی سیاسی، اجتماعی و پیچیده‌اند که نمی‌توان آنها را تنها به یک عامل فرهنگی (مذهب) مرتبط دانست (Al-Braizat, ۲۰۰۳).

مروری بر مطالعات انجام شده در موضوع حاضر نشان می‌دهد که مسأله رابطه دینداری و نگرش نسبت به دموکراسی به طور تجربی در ایران مورد بررسی قرار نگرفته و به جز چند فرضیه محدود در لابلا پژوهش‌های کلان‌تر که رابطه گرایش دینی را با تمایلات سیاسی سنجیده‌اند، چیز دیگری نمی‌توان یافت. علاوه بر آن مطالعات خارجی نشان می‌دهند که موضوع دینداری و دموکراسی، به ویژه تأثیر اسلام بر جهت‌گیری‌های دموکراتیک بیشتر نظر محققان و ناظران خارجی را به خود جلب کرده است. با وجود این کمتر محقق خود اقدام به مطالعه میدانی و جمع‌آوری اطلاعات به صورت مستقیم از پاسخگویان کرده است. از این رو نتایج حاصله از این تحقیقات بیشتر مبتنی بر تحلیل داده‌های ثانوی است.

### رویکردهای نظری در باب دین و دموکراسی

کارل مارکس دین را به عنوان یک حقیقت روبنایی و غیر مستقل در جامعه در نظر می‌گرفت که به بنیادهای مادی گرایانه حیات اجتماعی وابسته است. او دین را پدیده‌ای می‌دانست با پاره‌ای تأثیرات اجتماعی سیاسی که گهگاه و در برخی جاها قابل مشاهده‌اند (ویلیم، ۱۳۷۷: ۱۰). معروف است که مارکس با نگاه بدبینانه‌ای به دین و درحقیقت ایدئولوژی‌های دینی می‌نگریست و آن را بعضاً در دست حکومت‌ها مانع‌رهای واقعی انسان می‌دید، اگر چه کسانی نیز هستند که با این دیدگاه مخالفند. وی بر این باور بود که دین به صورت سنتی آن ناپدید خواهد شد و باید بشود، زیرا ارزش‌های مثبتی که در دین تجسم یافته، می‌تواند به صورت آرمان‌های راهنمای بهبود سرنوشت بشریت در این جهان درآید (گیدنز، ۱۳۸۱: ۵۳). در حالی که به تعبیر دیگر از آرای مارکس، تعامل دین با دموکراسی در جامعه می‌تواند تابعی از توزیع اساسی منابع اقتصادی - اجتماعی و قدرت سیاسی، تفسیر شود، تأثیرگذاری ارزش‌های دینی بر روند توزیع این منابع به ایجاد و تثبیت دموکراسی یاری خواهد رساند و در مقابل اگر دین به خاطر منافع سیاسی توسط نخبگان و حاکمان دینی و غیر

دینی مورد سوءاستفاده قرار گیرد، می‌تواند منبعی برای تضاد، ایستایی اجتماعی و گاهی اوقات رکود اقتصادی و عقب‌ماندگی سیاسی-اجتماعی تلقی شود (Abootalebi، ۲۰۰۰: ۸-۵۷).

بی‌تردید می‌توان گفت الکسی دو توکویل<sup>۱</sup> تنها اندیشمند و جامعه‌شناسی است که به طور خاص از رابطه دین و دموکراسی سخن گفته است. وی در اثر خویش با عنوان *دموکراسی در آمریکا* با نگاهی ژرف و دقیق به بررسی زندگی سیاسی و اجتماعی جامعه آمریکا پرداخته و نقش مهمی را که دین در ایجاد و توسعه دموکراسی در آمریکا ایفا کرده، نشان داده است (ویلیم، ۱۳۷۷: ۱۵). به نظر او تمدن انگلیسی-آمریکایی محصول دو عنصر کاملاً متمایز است. این دو عنصر همانا روح آزادی و روح مذهب است که عموماً در بسیاری از جوامع در تضاد با یکدیگر قرار می‌گیرند، در حالی که در آمریکا این دو به طور شگفت‌انگیزی تلفیق شده‌اند.

ماکس وبر واقعیات رفتار را در معنای ذهنی فاعل آن می‌داند. به نظر وبر تصاویری که انسان‌ها از جهان دارند، به رفتار آدمیان معنایی خاص می‌بخشد و دین و مفاهیم دینی بخشی از این تصاویر را برای انسان می‌سازد، لذا برای درک رفتار آدمیان فهم دین نیز مهم است. وی اشاره می‌کند که علائق مادی و علائق و افکار آرمانی (دینی) بر رفتار انسان‌ها تأثیر مستقیم دارند. انسان در هنگام برخورد با یک مسأله، معمولاً بیش از یک راه حل در اختیار دارد و اینکه چگونه می‌توان یک مسأله را حل کرد، بستگی به تصویر شخص از جهان دارد. در اینجا وبر می‌گوید که بینش‌ها و تعالیم خاص مبدعان مذهبی (پیامبران) اغلب در تصویری که گروه‌های اجتماعی و حتی تمدن‌ها از جهان دارند، مؤثر است (همیلتون، ۱۳۷۷: ۹-۲۴۸). وی با تأکید بر مسأله ارتباط میان اعتقادات دینی و اشکال فعالیت اقتصادی، معتقد بود که بدون تأثیر اعتقادات مذهبی پیوریتن، جامعه مدرن اساساً از آن چیزی که امروز هست، متفاوت می‌شد. به گفته او این قدرت تأثیر مذهبی بود که به عنوان یکی از عوامل، بلکه بیشتر از هر عامل دیگر، تفاوت‌هایی را که ما امروزه به آن آگاهییم به وجود آورد (ترنر و بیگلی، ۱۳۷۰: ۲۹۰). وبر با این پیش‌فرض اساسی که در هیچ مرحله‌ای ادیان، به ویژه ادیان این جهانی تهی از عقلانیت نیستند، بیشتر به دنبال ایجاد رابطه میان دین و زندگی بشر بود (همیلتون، ۱۳۷۷: ۲۴۲). وبر معتقد بود که تمام ادیان به ویژه ادیان جهانی نظیر اسلام، واجد عقلانیت هستند، و افکار مذهبی تعیین‌کننده جهت‌کنش انسان‌هاست. وی از ادیانی نظیر زردشت، یهودیت باستان و اسلام نام می‌برد که از همان ابتدا جنبه این جهانی

۱. Alexis de Tocqueville

داشته و اموری مثل تندرستی، طول عمر و ثروت را جزء ارزش‌های اصلی خود تلقی می‌کرده‌اند (وبر، ۱۳۸۲: ۳۱۷). او بر این باور بود که در این ادیان، تعریف رستگاری معنی این دنیایی نیز دارد و بنابراین، مؤمنان بایستی جهت رسیدن به سعادت واقعی، به اموراتی که باعث توسعه و بهبود زندگی دنیوی آنها می‌شود توجه نموده و در این راستا تلاش نمایند.

در مجموع بر اساس تئوری وبر می‌توان گفت تأثیر آموزه‌های ادیان بر افکار و کنش‌های افراد بستگی به راه حلی دارد که آنها در موضوع رسیدن به «رستگاری» ارائه می‌دهند. در همین راستا سمت‌گیری ادیان به «این جهانی بودن» یا «آن جهانی بودن» می‌تواند جهت‌گیری‌های فکری و رفتاری مؤمنان را مشخص نماید. البته باید توجه داشت که تفاسیر و برداشت‌های مختلفی از یک دین می‌تواند وجود داشته باشد. بر این اساس اعتقاد به «جهان‌پذیر» بودن دین اسلام به همراه «عقلانیت» ویژه‌ای که وبر وجود آن را در بسیاری از ادیان تأیید می‌کند، می‌تواند نویدبخش حرکت در جهت تغییرات تکاملی باشد. در این چارچوب حمایت مسلمانان از دموکراسی و همراهی آنان با نهادهای دموکراتیک کاملاً توجیه‌پذیر است. حداقل این است که نمی‌توان اسلام را مانعی در جهت ایجاد و قوام دموکراسی در جوامع مسلمان دانست، مگر آن که قرائت «آن جهانی» از اسلام در یک جامعه حاکم باشد. در این صورت کشاکش میان رستگاری (=دینداری) و دموکراسی فرجام دیگری خواهد یافت.

آراء ارائه شده در باب رابطه اسلام و دموکراسی بسیار گسترده و متنوع است. اسپوزیتو و وال با تأکید بر پیچیدگی رابطه اسلام و دموکراسی، معتقدند که در جهان اسلام یک طیف گسترده از آراء و ایده‌های متفاوت وجود دارد. در یک طرف کسانی قرار می‌گیرند که منکر هر گونه رابطه میان اسلام و دموکراسی هستند؛ در مقابل نیز کسانی قرار دارند که معتقدند اسلام در درون خود یک سیستم دموکراتیک دارد. در این میان گروهی نیز وجود دارند که نوعی دموکراسی اسلامی را مطرح می‌کنند (Esposito & Voll, ۲۰۰۱: ۱) حامیان اصلی ایده ناسازگاری اسلام و دموکراسی بر بنیادهای ذاتاً متفاوت این دو تأکید می‌ورزند و معتقدند دموکراسی بر پایه فلسفی لیبرالیسم غربی مبتنی است که پذیرش سکولاریسم مقدمه و پیش‌نیاز آن است (Huntington, ۱۹۹۷: ۷۰)، در حالی که اسلام به حوزه تمدنی دیگری متعلق است که اساس خود را بر تسلیم در برابر اراده خداوند و پذیرش اصولی ثابت و از پیش مقرر بنا نموده است. در این گروه هم دموکراسی خواهان و هم اسلام خواهان قرار دارند.

دسته اسلام‌خواهان، در نسبت اسلام و دموکراسی معتقدند که باید قوانین خدا بر مردم حاکم باشد و جایی برای دموکراسی وجود نخواهد داشت. بنابر این روش اسلامی، روش دموکراسی نیست؛ زیرا در مقررات ثابت‌ه اسلام، واضع قوانین خداست، در حالی که مبنای دموکراسی، مولود افکار جماعت و وضع شده توسط ملت است. بر اساس این رویکرد، دموکراسی به معنی اصالت دادن به اراده انسان در برابر اراده خداوند است و به او مانع می‌گردد (مصباح یزدی، ۱۳۷۲: ۶؛ میر، ۱۳۸۰: ۱۲۷). برخی دیگر با تأکید بر نظام سیاسی صدر اسلام و مقایسه آن با روش سیاسی دموکراسی معتقدند که در طول قرن‌ها نظام سیاسی اسلام که مورد احترام و پیروی مسلمانان بود، اقتدار را از آن خدا می‌دانست و خلیفه منتخب مردم برای اجرای قوانین الهی پاسخگوی آنان نبود. در چنین وضعی مردم مطیع و کنش‌پذیر بودند؛ زیرا وظیفه آنان اطاعت از قانون خدا و نمایندگان او در روی زمین بود. بنابراین چنین رویه‌ای که همه اختیارات را به خدا یا نمایندگان او و یا هر دو وامی‌گذارد، ذاتاً دموکراتیک نیست (خدوری، ۱۳۶۹: ۵۱-۵۰). البته این نیز از جمله کسانی است که منکر هر گونه رابطه مسالمت‌آمیز میان اسلام و دموکراسی هستند. وی مخالف تأثیرپذیری مسلمانان در امور سیاسی و اقتصادی از بیگانگان است؛ زیرا آن را خطری نسبت به هویت اسلامی مسلمانان و عامل خدشه‌دار شدن اسلام ناب و اصیل می‌داند (ابراهیم علی، ۱۳۷۹: ۲۰۳).

ساموئل هانتینگتون<sup>۱</sup> که در دسته دموکراسی‌خواهان مخالف سازگاری اسلام با دموکراسی قرار می‌گیرد، معتقد است که اسلام مبتنی بر اصولی است که می‌تواند با دموکراسی سازگار نباشد. وی با یادآوری اصل امتزاج دین و سیاست در آیین اسلام معتقد است که سیاست ورزی مبتنی بر اعتقادات اسلامی با مقدمات سیاست دموکراتیک ناسازگار است. او در توجیه نظر خود به این نکته اشاره می‌کند که هیچ کشور اسلامی در طول تاریخ - به استثناء ترکیه - به نظام سیاسی کاملاً دموکراتیک دست نیافته است، که در آنجا هم آثار آن به طور آشکار آموزه‌های اسلامی درباره سیاست را کنار گذاشت. بنابراین هانتینگتون این قاعده را مطرح می‌کند که اسلام و دموکراسی هر چه قدر هم در تئوری با یکدیگر موافق باشند، در عمل با هم ناسازگارند (هانتینگتون، ۱۳۸۱: ۳۳۶).

در مقابل نظریات فوق، گروه موافقان سازگاری اسلام و دموکراسی هستند، که تلاش کرده‌اند تا با در نظر گرفتن یک معنای حداقلی از دموکراسی یا برداشتی آزاد و نواز تعالیم اسلام به نتیجه مطلوب دست یابند. حمید

۱. S.Huntington



عنایت بر این باور است که اسلام به خاطر دین‌بودنش با برخی اصول دموکراسی تعارض دارد، زیرا همانند هر دین دیگری در بردارنده عقایدی مبتنی بر حداقلی از اصولی ثابت و لایتغیر است. در حالی که یکی از لوازم دموکراسی با هر تعریفی، چون و چرای مداوم است که این امر ناگزیر حوزه اصول مقدس را نیز دربرمی‌گیرد. با وجود این، وی معتقد است که اگر دموکراسی را به عنوان نظام سیاسی مخالف دیکتاتوری در نظر بگیریم، اسلام می‌تواند با دموکراسی سازگار باشد، زیرا تصمیمات و اعمال حکومت اسلامی باید مبتنی بر شریعت که مجموعه‌ای از قواعد برگرفته از کتاب و سنت است باشد، نه هوی و هوس شخصی (عنایت، ۱۳۶۲: ۲۲۴).

با این حال در دسته موافقان همسازی اسلام و دموکراسی نیز گرایش‌های مختلفی وجود دارد. عده‌ای بر این اعتقادند که دموکراسی در تجربه و تئوری سیاسی مسلمانان حاضر بوده و شاهد آن تجربه حکومت اسلامی در صدر اسلام است. اما با شهادت امام علی (ع) و حاکم شدن سلاطین، دموکراسی دینی نیز تحت‌الشعاع خودکامگی حاکمان قرار گرفت و کم‌رنگ شد، و با توجه به سنت اسلامی می‌توان نتیجه گرفت که روش تعیین حاکم اسلامی در هر عصری به اقتضای شرایط موجود می‌تواند تغییر نماید، و دولت اسلامی به صورت متفاوتی از جمله، اعمال اراده عمومی، می‌تواند شکل گیرد. همچنین در مهم‌ترین منبع اسلامی (قرآن) اشاراتی در حمایت از حقوق بشر وجود دارد، از جمله تساوی شهروندان در برابر قانون، آزادی مذهب، حق حیات، حق مالکیت، آزادی فردی و آزادی عقیده. اما به وجود تفاوت‌هایی در تلقی دینی و غربی از دموکراسی نیز معتقدند، و دموکراسی دینی که دقیقاً از بطن دین روئیده و هیچ تعارضی با منابع دینی را مترادف دموکراسی غربی مبتنی بر سکولاریزم و ماتریالیسم نمی‌دانند (اقبال، ۱۳۸۰: ۲۲۱-۱۹۵).

در میان موافقان سازگاری اسلام با دموکراسی کسانی نیز وجود دارند که قائل به ارائه یک مدل عملی دموکراتیک از حکومت اسلامی می‌باشند. عبدالکریم سروش دموکراسی را برحسب یکی از تعاریف آن، مجموعه‌ای از نهادها می‌داند که «هدف آن به حداقل رساندن خطاهای اداره سیاسی جامعه از طریق به حداکثر رساندن مشارکت عامه و تقلیل نقش شخصی فرد در اتخاذ تصمیمات سیاسی است» (سروش، ۱۳۷۵: ۳۸۱). بر این اساس وی نه تنها تقابلی میان دین و دموکراسی نمی‌یابد، بلکه خود واضح نظریه «حکومت دموکراتیک دینی» است. بنا به اعتقاد وی، مذهب طرحی برای اداره حکومت ارائه نمی‌دهد و هر تلاشی برای تدوین چنین طرحی بر اساس آن بی‌فایده است. بنابراین وی رابطه اسلام و دموکراسی را مسئله‌ای فرامذهبی تلقی می‌کند و با آن به شیوه‌ای عقلانی برخورد می‌کند. از نظر سروش دو نوع برداشت متفاوت از اسلام، می‌تواند دو گونه

جامعه دینی و نیز حکومت دینی متناسب با آن را ایجاد کند. در برداشت شرعی از اسلام که عمل به عنوان هسته ایمان شناخته می‌شود، جامعه‌ای دینی شکل می‌گیرد که در آن هدف اصلی اجرای قانون الهی است. در برداشت متفاوتی از اسلام، ایمان به عنوان هسته اسلام در نظر گرفته می‌شود و جامعه دینی به عنوان جامعه‌ای تعریف می‌شود که مردم در پذیرش ایمان خود آزادند. در چنین جامعه‌ای کارکرد حکومت دینی، همانند سایر جوامع اداره امور جامعه خواهد بود. در این جامعه حقوق غیر مذهبی افراد محترم است و هیچ فرد یا گروهی برای فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی دارای حق ویژه نیست. و بالاخره این که در چنین جامعه‌ای با تأکید بر عقلانیت، دخالت مردم در سرنوشت سیاسی و اجتماعی خویش از حقوق اولیه ایشان به شمار می‌رود (جهانبخش، ۱۳۸۲: ۳-۲۰۲).

برنارد لوئیس<sup>۱</sup> از جمله کسانی است که تا حدودی ایجاد حکومت اسلامی دموکراتیک را منتفی نمی‌دانند و معتقد است که اسلام لزوماً در مقابل دموکراسی قرار نمی‌گیرد، چرا که در تعالیم اسلامی هم عناصر و اندیشه‌های موافق و هم متضاد با دموکراسی وجود دارد. فقدان دولت، دادگاه، جامعه شهری و به ویژه فقدان نظام قانونگذاری در اسلام، موانع تحقق دموکراسی در جوامع اسلامی است. همچنین مقولاتی همچون بیعت، شورا، اصل حل و عقد و کثرت‌گرایی ظرفیت‌هایی هستند که از نظر لوئیس می‌توانند برای استقرار دموکراسی در جوامع اسلامی سودمند باشند (لوئیس، ۱۳۸۲: ۶۳-۵۵).

برای کسانی که قائل به سازگاری اسلام با دموکراسی در عمل می‌باشند، شواهد تجربی نیز وجود دارد. برای مثال نتایج مطالعات اینگلهارت<sup>۲</sup> و نوریس<sup>۳</sup> که در بیش از ۷۰ کشور دنیا صورت گرفته، نشان می‌دهد که تمایل به دموکراسی در میان کشورهای جهان سوم، بخصوص جوامع مسلمان، بیشتر از تمایل به دموکراسی در جوامع غربی است. چنان که، ۹۲ تا ۹۸ درصد از مردم کشورهای مسلمان نظیر ترکیه، بنگلادش، اندونزی، آذربایجان، آلبانی و مصر از ایجاد نهادهای دموکراتیک در کشورشان حمایت نموده، و دموکراسی را به عنوان تنها الگوی سیاسی مورد قبول، تأیید کرده‌اند. در حالی که این رقم برای کشور آمریکا که مهد دموکراسی شناخته می‌شود حدود ۸۹ درصد گزارش شده است. همچنین ۶۸ درصد از پاسخگویان در کشورهای مسلمان

۱. B.Lewis

۲. R. Inglehart

۳. P. Norris

و به همان اندازه جوامع غربی، کارآمدترین شکل حکومت را دموکراسی دانسته‌اند (اینگلهارت و نوریس، ۱۳۸۲: ۱۶-۱۲).

در این پژوهش با استفاده از نظریه وبر، بدون تأکید بر نوع خاصی از دموکراسی و یا قرائت خاصی از دین، فارغ از رویکردهای نظری موافق و یا مخالف اسلام و دموکراسی، تنها با تأکید بر معنای ذهنی پاسخگویان از دینداری و دموکراسی، به سنجش دینداری و نگرش پاسخگویان نسبت به دموکراسی پرداخته شده است. در این تحقیق برای سنجش نگرش پاسخگویان نسبت به دموکراسی، این متغیر در سه بخش: ۱. حقوق و آزادی‌های مدنی ۲. حکومت دموکراتیک و پاسخگو و ۳. جامعه دموکراتیک (مدنی) با تعداد ۵۷ گویه بر گرفته شده از تست Democracy Assessment Questionnaire (۲۰۰۳)، با استفاده از نظرات کارشناسی اساتید اهل فن و پس از تست اولیه، در نهایت با تغییراتی در راستای بومی‌سازی آن جهت استفاده در جامعه ایران مورد سنجش قرار گرفته است. برای سنجش دینداری افراد از مدل چندبعدی گلاک و استارک<sup>۱</sup> استفاده شده است. این مدل توسط بسیاری از محققان و پژوهشگران داخلی و خارجی جهت سنجش دینداری افراد مورد تأیید و استفاده قرار گرفته است. گلاک و استارک اعتقاد دارند در همه ادیان دنیا ضمن تفاوت‌هایی که در جزئیات آنها وجود دارد، عرصه‌های مشترکی وجود دارد که دینداری در آن متجلی می‌شود. این عرصه‌ها که می‌توان آنها را ابعاد اصلی دینداری به حساب آورد عبارتند از: ۱. بعد اعتقادی یا باورهایی که انتظار می‌رود مؤمنان به آنها اعتقاد داشته باشند. ۲. بعد مناسکی شامل اعمال دینی مشخصی همچون عبادت، نماز و روزه که انتظار می‌رود پیروان یک دین آنها را به جای آورند. ۳. بعد عاطفی (تجربی)، که به عواطف و احساسات مذهبی ناشی از اعتقاد دینی نظیر ستایش، تواضع و ترس راجع است. ۴. بعد پیامدی که ناظر به اثرات باورها، اعمال، تجارب و دانش دینی بر زندگی روزمره پیروان است (Glock and Stark, ۱۹۶۵: ۲۱-۲۰).

### فرضیات پژوهش

۱. به نظر می‌رسد بین ابعاد چهارگانه دینداری پاسخگویان و گرایش ایشان نسبت به جامعه دموکراتیک (مدنی) رابطه معنی‌داری وجود دارد.

۱. Glock & Stark

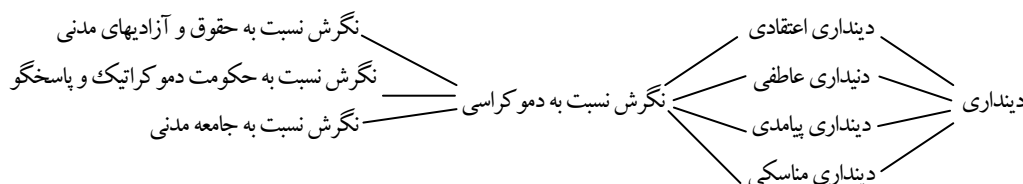
۲. به نظر می‌رسد بین ابعاد چهارگانه دینداری پاسخگویان و گرایش ایشان نسبت به حکومت دموکراتیک و پاسخگو رابطه معنی‌داری وجود دارد.

۳. به نظر می‌رسد بین ابعاد چهارگانه دینداری پاسخگویان و گرایش ایشان نسبت به حقوق و آزادی‌های مدنی دموکراسی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

۴. به نظر می‌رسد بین ابعاد چهارگانه دینداری پاسخگویان و نگرش ایشان نسبت به دموکراسی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

۵. به نظر می‌رسد بین میزان دینداری پاسخگویان و نگرش ایشان نسبت به دموکراسی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

### مدل نظری پژوهش



### روش تحقیق

این پژوهش به روش کمی و با استفاده از تکنیک پیمایش<sup>۱</sup> به انجام رسیده است. همچنین با توجه به حجم نمونه آماری از ابزار پرسشنامه برای جمع آوری اطلاعات استفاده شده است. جامعه آماری مورد مطالعه در این تحقیق، دانشجویان شاغل به تحصیل در مقاطع مختلف تحصیلی، در دانشکده های مهندسی، علوم، ادبیات و علوم انسانی، کشاورزی، علوم تربیتی، دامپزشکی، حقوق، و هنر و معماری دانشگاه شیراز در سال تحصیلی ۸۳-۱۳۸۲ می‌باشد که تعداد آنها جمعاً برابر با ۱۱۱۵۸ نفر شامل ۵۵۱۰ نفر مرد و ۵۶۴۸ نفر زن می‌باشد. در این تحقیق با استفاده از روش نمونه‌گیری مختلط<sup>۲</sup>، با در نظر گرفتن نسبت جنسی و سهمیه مقاطع تحصیلی مختلف برای هر دانشکده، از طریق نمونه‌گیری تصادفی ساده و با استفاده از فرمول کوکران در سطح معناداری ۹۵ درصد و خطای نمونه‌گیری ۵٪، یک نمونه ۳۸۳ نفری انتخاب گردید. در این پژوهش برای دستیابی به اعتبار<sup>۳</sup>

۱. survey

۲. mixed sampling

۳. validity

ابزار سنجش، اعتبار صوری پرسشنامه توسط تعدادی از صاحب نظران مورد بررسی و تأیید قرار گرفت و محاسبه ضریب روایی «آلفای کرونباخ» برای هر یک از طیف‌ها نشان داد که ابزار سنجش از پایایی بالایی برخوردار است.

### یافته‌های پژوهش

در این قسمت به نتایج به دست آمده از پژوهش در دو بخش توصیفی و استنباطی اشاره می‌کنیم. ابتدا به توصیف خصوصیات نمونه مورد مطالعه می‌پردازیم و سپس به تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیات خواهیم پرداخت. یافته‌ها نشان می‌دهند که از کل پاسخگویان ۵۰/۱ درصد مرد و ۴۹/۹ درصد زن می‌باشند. ۷۸/۱ درصد از آنان در مقطع کارشناسی، ۱۷/۸ درصد در مقطع تحصیلی کارشناسی ارشد و ۴/۲ درصد در مقطع دکتری مشغول به تحصیل می‌باشند. همچنین از کل پاسخگویان، ۲۴/۸ درصد دانشجویان دانشکده‌های مهندسی و هنر، ۳۷/۹ درصد دانشجویان دانشکده‌های علوم انسانی، علوم تربیتی و حقوق، ۲۰/۱ درصد دانشجویان دانشکده علوم و بالاخره ۱۷/۲ درصد از پاسخگویان، دانشجوی دانشکده‌های دامپزشکی و کشاورزی می‌باشند که در این میان تنها ۱۵/۱ درصد از کل پاسخگویان متأهل می‌باشند. علاوه بر این، یافته‌ها نشانگر آن است که ۱۲/۸ درصد از کل پاسخگویان محل سکونت خود را روستا عنوان کرده‌اند، ۴۳/۹ درصد ساکن شهر بوده‌اند و محل سکونت دائمی ۴۳/۳ درصد از کل پاسخگویان مرکز استان بوده است. بیشترین درصد پاسخگویان، یعنی ۷۷ درصد ایشان را دانشجویان با قومیت فارس تشکیل می‌دهند. ۱۱ درصد از پاسخگویان لر، ۶/۵ درصد ایشان ترک و ۵/۵ درصد باقیمانده به سایر اقوام شامل قومیت‌های کرد، عرب، بلوچ و... تعلق دارند.

جدول شماره ۱ توزیع فراوانی و درصد دینداری پاسخگویان را در ابعاد مختلف، به عنوان متغیر اساسی این مطالعه نشان می‌دهد. از حیث اعتقاد دینی ۱۴/۹ درصد از پاسخگویان در سطح پایین، ۷۰/۵ درصد در سطح متوسط و ۱۴/۶ درصد در سطح بالا قرار دارند. در بعد عاطفی دینداری، ۱۳/۱ درصد از پاسخگویان در سطح پایین، ۶۸/۷ درصد در سطح متوسط و ۱۸/۳ درصد در سطح بالا قرار می‌گیرند. همچنین ۲۷/۹ درصد در حد پایینی مناسک دینی را انجام می‌دهند، ۴۶/۲ درصد در حد متوسط و ۲۵/۸ درصد در حد بالا به انجام مناسک دینی می‌پردازند. در بعد پیامدی دینداری، ۱۸/۸ درصد از پاسخگویان در سطح پایین، ۶۲/۱ درصد در سطح

متوسط و ۱۹/۱ درصد در سطح بالا قرار دارند. جمع نمره دینداری پاسخگویان در ابعاد چهار گانه فوق نیز بیانگر آن است که در نمونه مورد مطالعه، ۱۴/۶ درصد در سطح پایین، ۶۷/۴ درصد در سطح متوسط و ۱۸ درصد در سطح بالای دینداری قرار دارند. بر اساس اطلاعات موجود در جدول، ضریب روایی (آلفای کرونباخ) بعد اعتقادی دینداری با ۱۰ گویه ۰/۸۶، بعد عاطفی (تجربی) با ۶ گویه ۰/۸۲، بعد مناسکی با ۹ گویه ۰/۸۲، بعد پیامدی با ۸ گویه ۰/۸۱ و در نهایت مجموع دینداری که مجموع ابعاد فوق الذکر می باشد، با تعداد ۳۳ گویه، ۰/۸۹ می باشد که همگی بر روایی قابل قبول ابزار سنجش مذکور دلالت می کند.

جدول شماره ۱- توزیع فراوانی و درصد میزان دینداری پاسخگویان به تفکیک ابعاد مختلف

ابعاد دینداری	ضریب آلفای کرونباخ	تعداد گویه‌ها	پایین	متوسط	بالا	جمع
بعد اعتقادی دینداری	۰/۸۶	۱۰	۵۷ ٪۱۴/۹	۲۷۰ ٪۷۰/۵	۵۶ ٪۱۴/۶	۳۸۳ ٪۱۰۰
بعد عاطفی (تجربی) دینداری	۰/۸۲	۶	۵۰ ٪۱۳/۱	۲۶۳ ٪۶۸/۷	۷۰ ٪۱۸/۳	۳۸۳ ٪۱۰۰
بعد مناسکی دینداری	۰/۸۸	۹	۱۰۷ ٪۲۷/۹	۱۷۷ ٪۴۶/۲	۹۹ ٪۲۵/۸	۳۸۳ ٪۱۰۰
بعد پیامدی دینداری	۰/۸۱	۸	۷۲ ٪۱۸/۸	۲۳۸ ٪۶۲/۱	۱۱۶ ٪۱۹/۱	۳۸۳ ٪۱۰۰
دینداری	۰/۸۹	۳۳	۵۶ ٪۱۴/۶	۲۵۸ ٪۶۷/۴	۶۹ ٪۱۸	۳۸۳ ٪۱۰۰

### دموکراسی و ابعاد آن

در این تحقیق متغیر دموکراسی در سه بخش: ۱. حقوق و آزادی‌های مدنی ۲. حکومت دموکراتیک و پاسخگو و ۳. جامعه دموکراتیک (مدنی) سنجیده شده است. جدول شماره ۲ توزیع فراوانی و درصد گرایش

پاسخگویان نسبت به دموکراسی به تفکیک در سه بخش فوق‌الذکر را نشان می‌دهد. یافته‌ها حاکی از آن است که ۱۸/۳ درصد از کل پاسخگویان گرایش ضعیفی به جامعه دموکراتیک از خود نشان داده‌اند، ۶۳/۲ درصد گرایش متوسط و ۱۸/۵ درصد گرایش بالایی به دموکراسی داشته‌اند. ضریب آلفای کرونباخ گویه‌های سنجش گرایش پاسخگویان نسبت به جامعه دموکراتیک که ۱۴ عدد بوده، در حدود ۰/۸۰ می‌باشد. همچنین بررسی گرایش پاسخگویان نسبت به حکومت دموکراتیک و پاسخگو بر حسب جنسیت با ۲۶ گویه سنجیده شده، نشان می‌دهد که ۱۶/۴ درصد از کل پاسخگویان به این بخش از دموکراسی گرایش ضعیفی دارند، گرایش ۶۵/۸ درصد از کل پاسخگویان، به دموکراسی در حد متوسط می‌باشد و بالاخره ۱۷/۸ درصد از کل پاسخگویان دارای گرایش بالا به حکومت دموکراتیک و پاسخگو بوده‌اند. لازم به ذکر است که ضریب آلفای کرونباخ مجموعه گویه‌های سنجش گرایش به حکومت دموکراتیک و پاسخگو ۰/۸۷ بوده است. در نهایت نتایج جدول بیانگر آن است که گرایش پاسخگویان نسبت به حقوق و آزادی‌های مدنی با ۱۷ گویه سنجیده شده و ضریب آلفای کرونباخ آن ۰/۸۴ می‌باشد. یافته‌ها نشان می‌دهند که ۱۵/۷ درصد پاسخگویان دارای گرایش منفی نسبت به حقوق و آزادی‌های مدنی هستند. ۷۰ درصد از پاسخگویان گرایش متوسطی داشته‌اند و کسانی که گرایش بالایی به این بخش از دموکراسی، دارند ۱۴/۴ درصد از کل پاسخگویان را تشکیل می‌دهند. از ترکیب ابعاد سه‌گانه فوق‌الذکر در مورد دموکراسی شاخص گرایش نسبت به دموکراسی با تعداد ۵۷ گویه ساخته شد، که ضریب روایی (آلفای کرونباخ) آن برابر با ۰/۸۵ بوده است. چنانچه در جدول مشاهده می‌شود، ۱۴/۹ درصد از کل پاسخگویان تمایل ضعیفی به دموکراسی (به عنوان متغیر وابسته این پژوهش) داشته‌اند، ۶۷/۹ درصد در حد متوسط و ۱۷/۲ درصد در حد زیادی به دموکراسی تمایل نشان داده‌اند.

جدول شماره ۲- توزیع فراوانی و درصد میزان گرایش پاسخگویان نسبت به دموکراسی و ابعاد آن

ابعاد گرایش پاسخگویان نسبت به دموکراسی	ضریب آلفای کرونباخ	تعداد گویه‌ها	پایین	متوسط	بالا	جمع
گرایش نسبت به جامعه دموکراتیک	۰/۸۰	۱۴	۱۸/۳	۶۳/۲	۷۱	۳۸۳
گرایش نسبت به حکومت دموکراتیک	۰/۸۷	۲۶	۱۶/۴	۶۵/۸	۱۷/۸	۳۸۳

۳۸۳	۵۵	۲۶۸	۶۰	۱۷	٪۸۴	گرایش نسبت به حقوق و آزادی‌های مدنی
٪۱۰۰	۱۴/۴	۷۰	۱۵/۷			
۳۸۳	۶۶	۲۶۰	۵۷	۵۷	٪۸۵	گرایش نسبت به دموکراسی
٪۱۰۰	۱۷/۲	۶۷/۹	۱۴/۹			

جدول شماره ۳ رابطه ابعاد دینداری با گرایش نسبت به جامعه دموکراتیک را نشان می‌دهد. نتایج به دست آمده با استفاده از تکنیک رگرسیون نشان می‌دهد که ابعاد چهارگانه دینداری ۴۷/۶ درصد با متغیر وابسته همبستگی دارد. ضریب تعیین ( $R^2$ ) نشانگر آن است که ۲۲/۷ درصد از واریانس گرایش نسبت به جامعه دموکراتیک توسط این ابعاد چهارگانه دینداری قابل تبیین است که این ضریب جهت تعمیم به کل جامعه مورد مطالعه ۲۱/۹ درصد می‌باشد. با توجه به مقادیر ( $F=27/755$ ) و سطح معنی‌داری ( $Sig = 0/000$ ) روابط موجود میان ابعاد چهارگانه دینداری با گرایش نسبت به جامعه دموکراتیک در سطح بیش از ۹۹ درصد معنی‌دار، و فرضیات ما تأیید می‌گردد. همچنین یافته‌های جدول نشانگر آن است که ابعاد مناسبی، پیامدی و اعتقادی دینداری دارای رابطه معنی‌دار با متغیر وابسته می‌باشند که در این میان بعد اعتقادی دینداری دارای همبستگی مستقیم و ابعاد پیامدی و مناسبی دینداری دارای همبستگی معکوس با گرایش نسبت به جامعه دموکراتیک می‌باشند.

### جدول شماره ۳- معادله رگرسیون چند متغیری رابطه میان ابعاد مختلف دینداری

#### با گرایش نسبت به جامعه دموکراتیک

نام متغیر	B	انحراف معیار	Beta	T مقدار	سطح معنی‌داری
بعد پیامدی دینداری	-۰/۲۸۱	۰/۰۹۸	-۰/۲۳۹	-۲/۸۵۷	۰/۰۰۵
بعد مناسبی دینداری	-۰/۳۸۲	۰/۷۱	-۰/۴۲۰	-۵/۳۹۱	۰/۰۰۰
بعد تجربی دینداری	۰/۱۲۶	۰/۱۵۰	۰/۰۶۸	۰/۸۳۶	۰/۴۰۴
بعد اعتقادی دینداری	۰/۲۱۶	۰/۰۹۴	۰/۱۹۲	۲/۲۹۷	۰/۰۲۲

$$R=0/476 \quad R^2=0/227 \quad Adjusted R^2=0/219 \quad F=27/755 \quad Sig=0/000$$



جدول شماره ۴ معادله رگرسیون چند متغیری رابطه میان ابعاد مختلف دینداری با گرایش نسبت به حکومت دموکراتیک و پاسخگو را به تصویر می کشد. یافته‌های جدول حاکی از آن است که در میان ابعاد چهار گانه دینداری تنها بعد اعتقادی دارای همبستگی مستقیم با گرایش نسبت به حکومت دموکراتیک و پاسخگو است و بعد مناسکی دارای همبستگی معکوس با متغیر وابسته می باشد، و در عین حال تنها رابطه این دو بعد دینداری با متغیر وابسته از لحاظ آماری معنی دار است. همچنین نتایج حاصل از جدول بیانگر آن است که ابعاد چهار گانه دینداری ۳۵/۳ درصد با متغیر وابسته همبستگی دارد. ضریب تعیین ( $R^2$ ) نشان می دهد که ۱۲/۴ درصد از واریانس نگرش نسبت به دموکراسی توسط این ابعاد چهار گانه دینداری قابل تبیین است که این ضریب جهت تعمیم به کل جامعه مورد مطالعه ۱۱/۵ درصد می باشد. با توجه به مقادیر ( $F = ۱۳/۴۲۷$ ) و سطح معنی داری ( $Sig = ۰/۰۰۰$ ) روابط موجود میان ابعاد چهار گانه دینداری با گرایش نسبت به حکومت دموکراتیک و پاسخگو در سطح بیش از ۹۹ درصد معنی دار، و در جهت تأیید فرضیه مطرح می باشد.

جدول شماره ۴- معادله رگرسیون چند متغیری رابطه میان ابعاد مختلف دینداری با گرایش نسبت به حکومت دموکراتیک و پاسخگو

نام متغیر	B	انحراف معیار	Beta	مقدار T	سطح معنی داری
بعد پیامدی دینداری	-۰/۲۱۵	۰/۱۸۱	-۰/۱۰۵	-۱/۱۸۴	۰/۲۳۷
بعد مناسکی دینداری	-۰/۵۰۱	۰/۱۳۰	-۰/۳۱۸	-۳/۸۴۲	۰/۰۰۰
بعد تجربی دینداری	-۰/۲۸۸	۰/۲۷۷	-۰/۰۹۰	-۱/۰۴۱	۰/۲۹۸
بعد اعتقادی دینداری	۰/۳۷۲	۰/۱۷۳	۰/۱۹۱	۲/۱۵۱	۰/۰۳۲

$R = ۰/۳۵۳$      $R^2 = ۰/۱۲۴$     Adjusted  $R^2 = ۰/۱۱۵$      $F = ۱۳/۴۲۷$      $Sig = ۰/۰۰۰$

جدول شماره ۵ بیانگر رابطه ابعاد دینداری با گرایش نسبت به حقوق و آزادی‌های مدنی می باشد. نتایج به دست آمده با استفاده از تکنیک رگرسیون نشان می دهد که ابعاد چهار گانه دینداری ۲۱/۹ درصد با متغیر وابسته همبستگی دارد. ضریب تعیین ( $R^2$ ) نشان می دهد که ۴/۸ درصد از واریانس گرایش نسبت به حقوق و آزادی‌های مدنی توسط این ابعاد چهار گانه دینداری قابل تبیین است. که این ضریب جهت تعمیم به کل

جامعه مورد مطالعه ۳/۸ درصد می باشد. با توجه به مقادیر ( $F=4/771$ ) و سطح معنی داری ( $Sig=0/001$ ) روابط موجود میان ابعاد چهارگانه دینداری با نگرش نسبت به دموکراسی در سطح بیش از ۹۹ درصد معنی دار است و فرضیات ما تأیید می گردد. همچنین یافته های جدول نشانگر آن است که ابعاد مناسبی و اعتقادی دینداری دارای رابطه معنی دار با متغیر وابسته می باشند که در این میان بعد اعتقادی دینداری دارای همبستگی مستقیم و بعد مناسبی دارای همبستگی معکوس با گرایش نسبت به حقوق و آزادی های مدنی می باشند.

جدول شماره ۵- معادله رگرسیون چند متغیری رابطه میان ابعاد مختلف دینداری با گرایش نسبت به حقوق و آزادی های مدنی

نام متغیر	B	انحراف معیار	Beta	مقدار T	سطح معنی داری
بعد پیامدی دینداری	-۰/۰۰۳	۰/۱۱۶	-۰/۰۰۲	-۰/۰۲۶	۰/۹۷۹
بعد مناسبی دینداری	-۰/۲۵۶	۰/۰۸۳	-۰/۲۶۵	-۳/۰۷۲	۰/۰۰۲
بعد تجربی دینداری	-۰/۰۷۳	۰/۱۷۶	-۰/۰۳۷	-۰/۴۱۲	۰/۶۸۱
بعد اعتقادی دینداری	۰/۳۲۴	۰/۱۱۰	۰/۲۷۲	۲/۹۳۵	۰/۰۰۴

$$R=0/219 \quad R^2=0/048 \quad \text{Adjusted } R^2=0/038 \quad F=4/771 \quad \text{Sig}=0/001$$

جدول شماره ۶ بیانگر رابطه ابعاد دینداری با نگرش نسبت به دموکراسی می باشد. بدین منظور، ابعاد سه گانه با همدیگر ترکیب و متغیر دموکراسی از آن ساخته شده است. نتایج به دست آمده با استفاده از تکنیک رگرسیون نشان می دهد که ابعاد چهارگانه دینداری ۳۶/۳ درصد با متغیر وابسته همبستگی دارد. ضریب تعیین ( $R^2$ ) نشان می دهد که ۱۳/۲ درصد از واریانس نگرش نسبت به دموکراسی توسط این ابعاد چهارگانه دینداری قابل تبیین است که این ضریب جهت تعمیم به کل جامعه مورد مطالعه ۱۲/۲ درصد می باشد. با توجه به مقادیر ( $F=14/312$ ) و سطح معنی داری ( $Sig=0/000$ )، روابط موجود میان ابعاد چهارگانه دینداری با نگرش نسبت به دموکراسی در سطح بیش از ۹۹ درصد معنی دار است و فرضیات ما تأیید می گردد. همچنین یافته های جدول حاکی از آن است که در میان ابعاد چهارگانه دینداری تنها بعد اعتقادی دارای همبستگی

مستقیم با نگرش نسبت به دموکراسی است و بعد مناسبی دارای همبستگی معکوس با متغیر وابسته می‌باشد، و در عین حال تنها رابطه این دو بعد دینداری با نگرش نسبت به دموکراسی از لحاظ آماری معنی‌دار است.

جدول شماره ۶- معادله رگرسیون چند متغیری رابطه میان ابعاد مختلف دینداری با گرایش نسبت به دموکراسی

نام متغیر	B	انحراف معیار	Beta	مقدار T	سطح معنی داری
بعد پیامدی دینداری	-۰/۴۹۹	۰/۳۶۰	-۰/۱۲۳	-۱/۳۸۶	۰/۱۶۶
بعد مناسکی دینداری	-۱/۱۳۹	۰/۲۵۹	-۰/۳۶۳	-۴/۳۹۷	۰/۰۰۰
بعد تجربی دینداری	-۰/۲۵۳	۰/۵۴۹	-۰/۰۳۷	-۰/۴۲۸	۰/۶۶۹
بعد اعتقادی دینداری	۰/۹۱۳	۰/۳۴۴	۰/۲۳۵	۲/۶۵۵	۰/۰۰۸

$$R = ۰/۳۶۳ \quad R^2 = ۰/۱۳۲ \quad \text{Adjusted } R^2 = ۰/۱۲۲ \quad F = ۱۴/۳۱۲ \quad \text{Sig} = ۰/۰۰۰$$

پس از اینکه رابطه بین ابعاد مختلف دینداری با نگرش نسبت به دموکراسی در جداول پیشین بررسی شد، برای درک بهتر و روشن تر از تأثیر میزان دینداری بر نگرش نسبت به دموکراسی در این فرضیه دینداری کل به عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شده است. بدین منظور، ابعاد چهارگانه با همدیگر ترکیب و متغیر دینداری از آن ساخته شده است. رابطه بین متغیر دینداری با نگرش نسبت به دموکراسی در جدول شماره ۷ نمایش داده شده است. برای آزمون این فرضیه از تحلیل رگرسیون ساده استفاده شده است. نتایج به دست آمده نشانگر آن است که متغیر دینداری ۲۶/۳ درصد با نگرش نسبت به دموکراسی همبستگی دارد. ضریب تعیین ( $R^2$ ) نیز نشان می‌دهد که ۶/۹ درصد از تغییرات مربوط به متغیر وابسته توسط متغیر دینداری قابل تبیین است که این رقم جهت تعمیم به کل جامعه آماری ۶/۶ درصد می‌باشد. همچنین ضریب Beta نشان می‌دهد که بین دینداری افراد و نگرش آنها نسبت به دموکراسی رابطه معکوسی وجود دارد و بر اساس ضریب B به ازاء هر واحد افزایش در میزان دینداری افراد، به میزان ۰/۳۰۲ از نمره نگرش آنها نسبت به دموکراسی کاسته خواهد شد. با توجه به مقدار  $T = -۵/۳۱۱$  و سطح معنی داری  $P = ۰/۰۰۰$ ، رابطه بین دو متغیر در سطح بیش از ۹۹ درصد تأیید می‌شود. همچنین مقدار  $F = ۲۸/۲۱۰$  در سطح معنی داری  $P = ۰/۰۰۰$  نشان می‌دهد که این مدل قابل تأیید است. همچنان که نتایج حاصله در جداول پیشین نشان می‌دهد، تمامی ابعاد دینداری با متغیر وابسته دارای رابطه‌ای معکوس می‌باشند که در تمام موارد این رابطه در سطح حداقل ۹۵ درصد معنی دار است.

جدول شماره ۷- آزمون رابطه میزان دینداری با نگرش نسبت به دموکراسی

نام متغیر	R	R <sup>2</sup>	R <sup>2</sup> .Ad	اشتباه استاندارد	ضریب B	Beta	مقدار T	سطح معنی داری
دینداری	۰/۲۶۳	۰/۰۶۹	۰/۰۶۶	۰/۰۵۷	-۰/۳۰۲	-۰/۲۶۳	-۵/۳۱۱	۰/۰۰۰

$$F=۲۸/۲۱۰$$

$$\text{Sig} = ۰/۰۰۰$$

در بخش نظری پژوهش گفته شد که اعتقادات دینی و دینداری افراد می تواند بر جهت گیریهای رفتاری آنها مؤثر واقع شود. همچنین بیان کردیم رابطه‌ای که بین دینداری و نگرش نسبت به دموکراسی وجود دارد، بسته به قرائت‌های مورد نظر از یکی از این مقوله‌ها (دینداری و دموکراسی) یا هر دو متفاوت است؛ چنان که تفسیرهای باز و قرائت‌های مدرن از دین اسلام می تواند با دموکراسی سازگار باشد، در حالی که برداشت‌های سنتی و غیر قابل انعطاف از اسلام با بسیاری از پدیده‌های مدرن از جمله دموکراسی ناسازگار است. بر این اساس، باید گفت به نظر می رسد که قرائت‌های رایج و نهادینه شده از اسلام در جامعه مورد مطالعه، قرائتی سنتی و در عین حال انعطاف ناپذیر است که فارغ از هر گونه ارزش داوری خاص نتوانسته است حضور دموکراسی را در کنار خود پذیرا باشد. همچنین حاکمیت نوعی حکومت دینی برای بیش از دو دهه در جامعه ما و تبلیغات متولیان رسمی آن، می تواند تلقی منحصر به فرد و خاصی از شکل سیاسی حکومت - به عنوان نظام سیاسی کاملاً اسلامی و مطلوب- ایجاد کرده باشد که در مقابل، اشکال دیگر حکومت و نظام سیاسی سکولار جلوه گر شود. به موارد فوق این نکته را نیز باید اضافه کرد که دموکراسی سنجش شده در این پیمایش همان دموکراسی محض و خالصی است که ریشه‌ای کاملاً غیر مذهبی و سکولار دارد. در چنین حالتی طبیعی است که بخش‌های خاصی از آن مورد قبول دینداران مترقی نیز قرار نگیرد.

### بحث و نتیجه گیری

پرداختن به این مسأله که چرا کشور ایران علی‌رغم خیزش حرکت‌های متعدد دموکراسی خواهانه در آن تاکنون به نوعی دموکراسی نهادینه و با ثبات دست نیافته، از زوایای گوناگون مورد تحلیل تئوریک واقع شده است. اما عمده توجه اندیشمندان متوجه عوامل و زمینه‌های کلان ساختاری بوده است و به نظر می رسد توجه

به افراد و نقش آنها در ایجاد و تثبیت دموکراسی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. بنابراین باید بیشتر به اهمیت این نکته پرداخته شود که هیچ دموکراسی بدون وجود یا تربیت شهروندان دموکرات، استقرار نیافته و یا حداقل دوام نمی‌یابد.

هاتینگتون در این زمینه معتقد است که جهت‌گیریهای هنجاری شهروندان پیش‌شرط تحولات دموکراتیک به شمار می‌رود (Tessler, ۲۰۰۳). در واقع دوام و قوام دموکراسی به وجود شهروندان دموکراتیک یا متمایل به آرمان‌های دموکراتیک وابسته است. بنابراین در این پژوهش به نقش عواملی پرداخته شده است که در حیطه فردی عمل کرده، و می‌تواند در نوع نگرش و گرایش شهروندان به دموکراسی مؤثر باشد. در کنار عواملی نظیر تحصیلات، جنسیت، محل سکونت و ...، تمرکز عمده تحقیق به بررسی تأثیر باورهای دینی و دینداری افراد بر نگرش‌های دموکراتیک آنها قرار گرفته است. باورهای دینی از این جهت که جهان‌بینی و باورهای اساسی هر فرد در خصوص خدا، انسان و جهان را شکل می‌بخشد، می‌توانند در تعیین بخشیدن به نگرش‌های سیاسی افراد نیز مؤثر باشند. همچنین بسیاری از محققان جامعه‌شناسی تأثیر متغیر اعتقاد دینی را بر تمایلات و گرایش‌های سیاسی، آن‌گونه که آنها را می‌توان از طریق رفتار مردم در انتخابات درک کرد، تأیید کرده‌اند (ویل، ۱۳۷۷: ۱۱۳).

یافته‌های پژوهش نشانگر آن است که نمره دینداری و نگرش نسبت به دموکراسی بیشتر پاسخگویان در سطح متوسط و بالاتر قرار دارد. همچنین نتایج معادله رگرسیون چندمتغیره حاکی از وجود رابطه معکوس میان متغیرهای دینداری و ابعاد مختلف آن با نگرش نسبت به دموکراسی و ابعاد متفاوت آن بود. بر این اساس یعنی هر چه به میزان دینداری افراد در ابعاد مختلف افزوده می‌گردد، نگرش ایشان به دموکراسی منفی‌تر می‌شود. در این میان ابعاد مناسبی و اعتقادی دینداری بیشترین میزان همبستگی را با متغیر وابسته در این پژوهش داشته‌اند. در میان تحقیقات داخلی، نتایج مشابهی نیز مشاهده شده است. برای مثال، نیک‌پی در پژوهشی تحت عنوان «بررسی تحولات دینی در ایران معاصر»، یکی از نتایج به دست آمده را چنین ذکر می‌کند: «هر چه افراد سیاسی مؤمن‌تر و معتقدترند، برابری حقوق اجتماعی و سیاسی میان دینداران و غیر دینداران کمتر مورد پذیرش آنهاست» (نیک‌پی، ۱۳۸۰: ۵۵).

چنان‌که می‌دانیم، برابری حقوق اجتماعی و سیاسی در جامعه یکی از ارکان دموکراسی به شمار می‌رود که در پژوهش مذکور با دینداری افراد رابطه معکوس داشته است. گفتیم که آنچه در اصل، تعیین‌کننده نسبت بین

دین و دموکراسی است، نوع برداشت و معانی مختلفی است که از این دو مقوله وجود دارد. براین اساس انتظار می‌رفت در میان دانشجویان، که از اقشار اهل مطالعه و خوش فکر جامعه هستند، تفسیری مدرن و انعطاف‌پذیر از اسلام حاکم باشد که آنها قادر باشند با هر میزان از دینداری، نگرشی مثبت به دموکراسی داشته باشند. اما، علی‌رغم قراردادن نمره دینداری و نگرش نسبت به دموکراسی بیشتر پاسخگویان در سطح متوسط و بالاتر، همبستگی بین این دو متغیر منفی نشان داده شده است.

از آنجایی که افراد در بدو تولد هیچ نوع شناختی از دین ندارند و در فرایند جامعه‌پذیری در زندگی اجتماعی معرفت دینی خویش را کسب می‌کنند، بنابراین به نظر می‌رسد که برداشت موجود در ذهن دانشجویان مورد بررسی از دین همان دین نهادی شده در جامعه است که به آنان ارائه شده است. همان‌گونه که در بخش نظری مقاله اشاره شد، بر اساس تفاسیر سنتی و فاقد هر گونه انعطاف و اجتهاد پویا، آنچه به عنوان دین در جامعه ارائه می‌گردد، هیچ نوع همسازی میان اسلام با نهادهای مدرن مانند دموکراسی میسر نیست، و در مقابل با تأکید زیاد بر عناصر سکولار لیبرال دموکراسی موجود در دنیای غرب، آن را در تقابل شدید با اسلام نشان می‌دهند. بنابراین با توجه به رواج قرائت‌های فوق‌الذکر از اسلام و دموکراسی در جامعه ایران، وجود رابطه معکوس میان متغیرهای دینداری و ابعاد مختلف آن با نگرش نسبت به دموکراسی در میان پاسخگویان امری عادی و قابل درک به نظر می‌رسد.

در صورتی که جامعه ایران خواهان برقراری جمهوری اسلامی به معنای واقعی آن یعنی نوعی مردم‌سالاری دینی باشد، باید با ارائه تفاسیر باز و قرائت‌های مدرن از دین اسلام، و بازخوانی مفهوم دموکراسی همراه با بومی‌سازی آن، در صدد رفع تقابل و ایجاد نوعی همسازی میان این دو مفهوم برآیند. حل چنین تعارضی بیش از همه، بر عهده فقها و اسلام‌شناسان بزرگ است که در جهت معرفی یک چهره مترقی و سازگار با ارزش‌های اصیل انسانی از اسلام تلاش مضاعف نمایند.

## ضمیمه

### ۱. دموکراسی و ابعاد آن

در این تحقیق متغیر دموکراسی در سه بخش: ۱. حقوق و آزادیهای مدنی، ۲. حکومت دموکراتیک و پاسخگو و ۳. جامعه دموکراتیک (مدنی) با تعداد ۵۷ گویه سنجیده شده است. لازم به ذکر است گویه‌ها از منبع زیر اخذ گردیده و با

استفاده از نظرات کارشناسی اساتید اهل فن و پس از تست اولیه، و در نهایت با تغییراتی جهت بومی‌سازی آن جهت استفاده در جامعه ایران مورد استفاده قرار گرفته است:

Democracy Assessment Questionnaire (۲۰۰۳): published by the Institute for Democracy and Electoral Assistance, Stockholm (IDEA)

ابعاد بخش‌های سه‌گانه فوق‌الذکر مربوط به دموکراسی به شرح زیر است:

**حقوق و آزادی‌های مدنی:** منظور حقوق و آزادی‌هایی است که شهروندان به موجب قانون اساسی و سایر قوانین از آن برخوردارند. معمولاً مفهوم حقوق مدنی در کنار حقوق بشر به مفهوم کلی آن به کار می‌رود (بشیریه، ۱۳۸۱: ۱۰۶). این متغیر خود شامل حاکمیت قانون و دسترسی به عدالت، حقوق سیاسی و حقوق اقتصادی-اجتماعی می‌شود. شاخص‌های حاکمیت قانون عبارتند از: تبعیت کارگزاران حکومتی از قوانین شفاف، استقلال دادگاه‌ها و سیستم قضایی از مسؤولان اجرایی، جبران خسارات ناشی از سوء مدیریت مسؤولان و بی‌طرفانه عمل کردن دادگاه‌ها. شاخص‌های حقوق سیاسی عبارتند از: مصونیت شهروندان از تجاوز و خشونت فیزیکی، آزادی بیان و عقیده، آزادی تشکیل انجمن برای همه و آزادی عمل بر اساس مذهب، زبان و فرهنگ. شاخص‌های حقوق اقتصادی و اجتماعی عبارتند از: دستیابی یکسان شهروندان به کار و تأمین اجتماعی، تأمین نیازهای اولیه شهروندان از قبیل غذای کافی، مسکن، آب سالم، فراگیر بودن امکان آموزش و تحصیلات برای همگان.

**حکومت دموکراتیک و پاسخگو:** منظور شکلی از حاکمیت سیاسی است که شامل انتخابات آزاد و منصفانه جهت فراهم کردن ابزارهایی برای انتخاب همگانی و کنترل حکومت و همچنین شیوه‌هایی برای پاسخگویی مداوم مقامات رسمی-انتخابی و غیرانتخابی- به عموم مردم می‌شود. این بخش شامل انتخابات آزاد منصفانه، حضور احزاب متعدد، پاسخگویی و کارآمدی حکومت، کنترل مدنی ارتش و پلیس و فساد حداقلی در حکومت می‌شود. شاخص‌های انتخابات آزاد منصفانه عبارتند از انتخاب کارگزاران حکومتی به وسیله انتخابات رقابتی و آزاد، تکرار منظم انتخابات و تغییر افراد و گروه‌های حکومتی، فراگیر بودن روش‌های نامزدی و رأی‌گیری، بی‌طرفانه بودن روش‌های ثبت‌نام و معرفی نامزدها به مردم و دستیابی یکسان نامزدها به رسانه‌ها و سایر وسایل ارتباطی. شاخص‌های احزاب متعدد عبارتند از: تنوع احزاب متناسب با تنوع زبانی، مذهبی و قومی در کشور، تأثیر احزاب در تشکیل دولت‌ها، حضور احزاب مخالف و غیرحکومتی در کنار حکومت. شاخص‌های حکومت پاسخگو و کارآمد عبارتند از: توانایی حکومت بر تأثیرگذاری یا کنترل موضوعات مهم زندگی مردم، کنترل مسؤولان اداری و اجرایی توسط وزیران و رهبران حکومتی، کنترل بازخواست مسؤولان اجرایی توسط قوه مقننه. شاخص‌های کنترل مدنی ارتش و پلیس عبارتند از: به دور بودن زندگی سیاسی شهروندان از درگیری‌های نظامی، پاسخگویی پلیس و نیروهای امنیتی به خاطر عملکردشان، متناسب بودن ترکیب



ارتش و نیروهای امنیتی با ترکیب اجتماعی جامعه و آزاد بودن کشور از عملکرد نیروهای شبه‌نظامی و جنگ سالار و بالاخره شاخص‌های فساد حداقلی عبارتند از: جدایی پست‌های عمومی از منافع شخصی و خانوادگی افراد، دور بودن مسئولان از رشوه خواری، جلوگیری از نفوذ و تأثیر بنگاه‌ها و شرکت‌های اقتصادی قدرتمند بر سیاست‌های حاکمان و اعتماد مردم به سلامت مسئولان و کارگزاران عمومی.

**جامعه دموکراتیک یا مدنی:** منظور حالتی است که در جامعه رسانه‌های ارتباطی متکثر و آزاد و انجمن‌های مدنی حضور دارند و همچنین فضای مساعدی برای مشارکت عمومی شهروندان در فرایندهای سیاسی به منظور تشویق حکومت به پاسخگویی به افکار عمومی وجود دارد. جامعه دموکراتیک و مدنی شامل پذیرش بدون تبعیض شهروندی همگان، حضور رسانه‌های آزاد در عرصه جامعه و مشارکت سیاسی می‌شود. شاخص‌های شهروندی همگانی شامل پذیرش تفاوت‌های فرهنگی، حفظ حقوق اقلیت‌ها، فراگیر بودن شهروندی سیاسی همه افراد و فراگیر و منصفانه بودن شیوه‌های اصلاح قانون می‌شود. شاخص‌های رسانه‌های آزاد عبارتند از: استقلال رسانه‌ها از حکومت و قدرت‌های اقتصادی، تنوع رسانه‌ها متناسب با سلیقه‌های مختلف فکری، تأثیر رسانه‌ها بر حکومت و مصونیت روزنامه‌نگاران از قوانین محدودکننده و تهدید و آزار. شاخص‌های مشارکت سیاسی نیز عبارت است از: گسترده‌گی انجمن‌های داوطلبانه، گروه‌های مدنی و جنبش‌های اجتماعی، مشارکت گسترده زنان در زندگی سیاسی و سمت‌های اداری و حضور یکسان گروه‌های اجتماعی در مقامات عمومی می‌شود.

همان‌گونه که در قسمت روش تحقیق در مقاله ذکر شده، در این پژوهش برای سنجش دینداری افراد از مدل چندبعدی گلاک و استارک<sup>۱</sup> استفاده شده است و تست سنجش دینداری از منبع زیر اخذ گردیده و با استفاده از نظرات کارشناسی اساتید اهل فن و پس از تست اولیه، و در نهایت با تغییراتی جهت بومی سازی آن جهت استفاده در جامعه ایران مورد استفاده قرار گرفته است:

Glock C.Y and Stark (۱۹۶۵): The Dimensions of Religiosity: Religion and Society in Tension, Chicago, Rand McNally

این مدل توسط بسیاری از محققان و پژوهشگران داخلی و خارجی جهت سنجش دینداری افراد مورد تأیید و استفاده قرار گرفته است. گلاک و استارک اعتقاد دارند در همه ادیان دنیا ضمن تفاوت‌هایی که در جزئیات آنها وجود دارد، عرصه‌های مشترکی وجود دارد که دینداری در آن متجلی می‌شود. این عرصه‌ها که می‌توان آنها را ابعاد اصلی دینداری به حساب آورد عبارتند از: ۱. **بعد اعتقادی** یا باورهایی که انتظار می‌رود مؤمنان به آنها اعتقاد داشته باشند؛ ۲. **بعد مناسکی** شامل اعمال دینی مشخصی همچون عبادت، نماز و روزه که انتظار می‌رود پیروان یک دین آنها را به جای

۱. Glock & Stark

آورند؛ ۳. **بعد عاطفی (تجربی)**، که به عواطف و احساسات مذهبی ناشی از اعتقاد دینی نظیر ستایش، تواضع و ترس راجع است؛ ۴. **بعد پیامدی** که ناظر به اثرات باورها، اعمال، تجارب و دانش دینی بر زندگی روزمره پیروان است (Glock and Stark، ۱۹۶۵: ۲۰-۲۱).

## ۲. نحوه ساختن شاخص‌های ترکیبی

برای ساختن شاخص‌های ترکیبی ابتدا به گویه‌های مربوطه نمرات بین صفر تا ۴ داده می‌شود و مجموع نمرات داده شده، برای هر شاخص به‌عنوان متغیر فاصله‌ای وارد معادله رگرسیون شده است. سپس برای طبقه‌بندی شاخص‌های ترکیبی در جهت توصیف که در جداول فراوانی به نمایش در آمده است، از فرمول زیر استفاده شده است:

میانگین نمرات  $\pm$  انحراف معیار = حد متوسط

بالا تر از میانگین نمرات + انحراف معیار = حد بالا

پایین تر از میانگین نمرات - انحراف معیار = حد پایین

## فهرست منابع

- ابراهیم‌علی، حیدر (۱۳۷۹): «شورا و دموکراسی در اندیشه‌های اسلامی معاصر»، ترجمه مجید مرادی، فصلنامه علمی پژوهشی **علوم سیاسی**. دوره ۲، شماره ۸، صص ۲۲۸-۲۰۲.
- اقبال، جاوید (۱۳۸۰): «دموکراسی معنوی مردم و رسالت سیاسی اسلام»، ترجمه اصغر افتخاری، **کتاب نقد**، دوره ۴، شماره ۵ و ۴، پائیز و زمستان ۱۳۸۰، صص ۲۲۱-۱۹۵.
- اینکلهارت، رونالد و پینا نوویس (۱۳۸۲): «اختلاف غرب و جهان اسلام در چیست؟»، ترجمه مهرداد میردامادی، **مجله جامعه نو**، سال دوم، شماره ۱۶، خرداد ۱۳۸۲، صص ۱۵-۱۲.
- بخارایی، احمد (۱۳۸۱): **دموکراسی و دشمنانش در ایران، جامعه‌شناسی فرهنگ سیاسی (۱۳۷۶ تا ۱۳۸۰)**، تهران: انتشارات گام نو.
- پدرام، مسعود (۱۳۸۳): «دموکراسی ایرانی، گذار از نظریه لیبرالیستی به نظریه گفتگو»، **مجله آیین**، سال اول، شماره اول، تیرماه، صص ۱۴-۱۲.
- ترنر، جان‌تان‌اچ و ال. بیگلی (۱۳۷۰): **پیدایش نظریه جامعه‌شناسی**، ترجمه عبدالعلی لهسایی‌زاده، شیراز، انتشارات شیراز.
- جهانبخش، فروغ (۱۳۸۲): **از بازرگان تا سروش (اسلام، دموکراسی و مدرنیسم مذهبی در ایران ۱۳۷۹-۱۳۳۲)**، ترجمه سعیده سربانی، تهران، انتشارات بهزاد.

- حسن‌زاده، کاظم (۱۳۸۲): «بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان دانشگاه شیراز»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز، بخش برنامه‌ریزی و جامعه‌شناسی.
- خلدوری، مجید (۱۳۳۹): *گرایش‌های سیاسی در جهان عرب*، ترجمه عبدالرحمن عالم، چاپ دوم، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- سروش، عبدالکریم (۱۳۷۵): *فره‌تو از ایدئولوژی*، تهران، مؤسسه فرهنگی صراط.
- سن، آمارتیا (۱۳۸۳): «مردمسالاری، ارزشی جهانشمول»، ترجمه مهدی حجت، ماهنامه *آفتاب*، سال چهارم، شماره ۳۴، فروردین و اردیبهشت، صص ۱۰۵-۱۰۰.
- عنایت، حمید (۱۳۶۲): *اندیشه سیاسی در اسلام معاصر*، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، تهران، شرکت سهامی انتشارات خوارزمی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۱): *جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی.
- لوئیس، برنارد (۱۳۸۲): «اسلام و مردم سالاری لیبرال». در: *بازتاب اندیشه در مطبوعات روز ایران*، ترجمه سعید حنایی، قم، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، صص ۶۳-۵۵.
- مصباح‌یزدی، محمدتقی (۱۳۷۲): «جایگاه فلسفه اسلامی در بین مکاتب فلسفی کنونی جهان»، ویژه‌نامه روزنامه *رسالت*، یازدهم اردیبهشت ماه، ص ۶.
- میر، ایرج (۱۳۸۰): *رابطه دین و سیاست: تفسیرهای امام محمد غزالی و خواجه نصیرالدین طوسی از پیوند دین و سیاست*. تهران، نشر نی.
- نیک‌بی، امیر (۱۳۸۰): «نگاهی به برخی تحولات دینی در ایران معاصر»، نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران، شماره ۳، سال ۱۳۸۰، صص ۶۰-۴۳.
- هانتینگتون، ساموئل (۱۳۸۱): *موج سوم دموکراسی در پایان سده بیستم*، ترجمه احمد شهسا، چاپ سوم، تهران، انتشارات روزنه.
- هلد، دیوید (۱۳۶۹): *مدل‌های دموکراسی*، ترجمه عباس مخبر، تهران، انتشارات روشنگران.
- همیلتون، ملکم (۱۳۷۷): *جامعه‌شناسی دین*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، انتشارات تیان.
- ویر، ماکس (۱۳۸۲): *دین، قدرت و جامعه*. ترجمه احمد تدین، تهران، انتشارات هرمس.
- ویلم، ژان‌پل (۱۳۷۷): *جامعه‌شناسی ادیان*، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران، انتشارات تیان.
- Abootalebi, Alireza (۲۰۰۰): *Islam and Democracy: State-Society relations in developing countries, 1۹۸۰-1۹۹۴*. New York: Garland Publishing, Inc.

- Afrobarometer Briefing Paper (۲۰۰۲): "Islam, Democracy, and Public Opinion in Africa", at: <http://www.africaaction.org/docs/ab.۲۰۹.htm>.
- Al-braizat, Fares (۲۰۰۳): "Muslims and Democracy". at: [http://www.worldvaluessurvey.org/Upload/o\\_Islamdem\\_۲.pdf](http://www.worldvaluessurvey.org/Upload/o_Islamdem_۲.pdf)
- Democracy Assessment Questionnaire (۲۰۰۳): Published by the Institute for Democracy and Electoral Assistance, Stockholm (IDEA).
- Esposito, John L. & John O. Voll (۲۰۰۱): "Islam and Democracy", <http://WWW.Neh.gov/news/humanities/۲۰۰۱-۱۱/islam.html>.
- Glock C.Y and Stark (۱۹۶۵): *The Dimensions of Religiosity: Religion and Society in Tension*, Chicago: Rand McNally
- Huntington, Samuel P (۱۹۹۷): *The Clash of Civilizations and the Remaking of World Order*, India, Penguin Books.
- Movahed, Majeed (۲۰۰۲): *Islamic Resurgence and Urban Middle Classes in Iran; A Sociological Study*, Ph.D Thesis, Panjab University, Chandigarh, India.
- Sabagh Georges, Nachtwey Jodi and Tessler Mark (۱۹۹۸): "Islam, Gender and the Demographic Challenge in North Africa". paper presented at the annual meeting of the Middle East studies Association, Chicago.
- Tessler, Mark (۲۰۰۲): "Islam and Democracy in the Middle East: the impact of religious orientations on attitudes toward democracy in four Arab countries", *Comparative Politics*, N.۳۴, April, PP.۲۵۴-۳۳۷.
- Tessler, Mark (۲۰۰۳): "Do Islamic Orientations Influence Attitudes Toward Democracy in the Arab World". At: [http://www.worldvaluessurvey.org/Upload/o\\_TessIslamDem\\_۲.pdf](http://www.worldvaluessurvey.org/Upload/o_TessIslamDem_۲.pdf)

### مشخصات مؤلفین

- مجید موحّد دارای دکترای جامعه‌شناسی از دانشگاه پنجاب هندوستان و استادیار بخش جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه شیراز است. علائق پژوهشی او در زمینه جامعه‌شناسی دین و جامعه‌شناسی جنسیت است. آدرس: بخش جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه شیراز. Email: [Movahed1۹۶۲@yahoo.com](mailto:Movahed1۹۶۲@yahoo.com)
- محمود دلبری کارشناس ارشد جامعه‌شناسی از دانشگاه شیراز است. علائق پژوهشی او در زمینه جامعه‌شناسی دین و جامعه‌شناسی سیاسی است. آدرس: دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه شیراز